

مغازی واقدی، منبعی کهن در سیره نظامی پیامبر اسلام ﷺ*

کعبه علیرضا روحی^۱

کعبه احسان شهسوار^۲

چکیده

کتاب **مغازی**، نوشته‌ی محمد بن عمر واقدی، از منابع کهن و معتبر تاریخی، در زمینه‌ی سیره‌ی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌های صدر اسلام است. اهمیت این اثر که به جهت مقام علمی مؤلف، اعتبار کتاب، نزدیکی نویسنده به عصر وقوع حوادث و روش ممتاز واقدی در تألیف است، شناساندن و معرفی آن را ضروری می‌نماید. مقاله‌ی پیش‌رو، با سیری در کتاب مغازی و استفاده از شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی، به معرفی واقدی و کتابشناسی اثر وی پرداخته است. در مجموع و با صرف نظر از انتقادات وارده به برخی مطالب نقل شده در کتاب، مغازی واقدی منبعی مهم و دسته‌اول تلقی می‌شود؛ چراکه روایت‌های تاریخی را نقّادی، محل وقوع مغازی پیامبر ﷺ را از نزدیک مشاهده و با ذکر جزئیات ناب حوادث، سخنانی نو و متفاوت از دیگر نویسندگان، بیان کرده است.

واژگان کلیدی: سیره، مغازی پیامبر ﷺ، واقدی، غزوه، تاریخ اسلام، جنگ.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، dr.Rohy@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خراسان و کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، (نویسنده مسئول)

alghaath@yahoo.com

«سیر» به معنای گذشتن، رفتن، حرکت و سیر کردن در زمین است. «سیره» بر وزن «فعلَه»، بر راه و روش، دلالت دارد و حالتی است که انسان‌ها و سایر جانداران، نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد، خواه غریزی باشد و خواه اکتسابی؛ چنان‌که گفته می‌شود: فلانی سیره و روشی نیکو یا قبیح دارد. پس کلمه‌ی سیره نزد لغت‌دانان، به معنی چگونگی رفتن، نوع و سبک مشی و حرکت است. (جوهری، ۱۳۷۶: ۶۹۱/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۳۲/۱؛ مطهری، ۱۳۸۶، ۴۶)

در تاریخ اسلام، اولین شخصیتی که پیروی از سیره و روش او برای مسلمانان اهمیت یافت، پیامبر اکرم بوده صلی الله علیه و آله است. در این راستا علاوه بر قرآن کریم که حضرت - رسول صلی الله علیه و آله را به عنوان اسوه‌ی نیکی‌ها معرفی کرده است و مسلمانان را به پیروی از سیره و روش ایشان ترغیب می‌کند، (احزاب/۱). طبق روایت «كُنَّا نَعْلَمُ مَغَازِيَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله كَمَا نَعْلَمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ» از امام سجاد علیه السلام، تعلیم سیره و مغازی پیغمبر صلی الله علیه و آله از جمله فعالیت‌های مهم ائمه علیهم السلام و هم‌سنگ تعلیم قرآن، قرار گرفته است. (بیهقی، ۱۴۰۵: ۶/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲۴۲/۳؛ صالحی، ۱۴۱۴: ۱۰/۴)^۱

«غزوه» به جنگ‌هایی گفته می‌شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله خودش در آن حضور و فرماندهی کل قوا را برعهده داشته است. بر این اساس، مغازی، جمعی از غزوه، به معنای مجموع جنگ‌ها و ناظر به سیره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بُعد نظامی، به معنای بررسی روش و عملکرد ایشان در جنگ‌ها و تقابل با مخالفان است. باید توجه داشت که معنای دو کلمه‌ی «سیره» و «مغازی»، گاهی چنان به هم نزدیک شده‌اند که از کتاب‌های «سیره» در اصطلاح، با تعبیر «مغازی» نیز استفاده شده است. (حجتی، ۱۳۷۱: ۲۹)

علاقه و اهتمام مسلمانان صدر اسلام به شناخت سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله (اعم از قول، فعل و تقریر) و الگو قرار دادن ایشان در سبک زندگی، انگیزه‌های اولیه برای تدوین کتاب‌های سیره و مغازی است. قدمت تدوین و نگارش در زمینه‌ی سیره و مغازی حضرت رسول صلی الله علیه و آله، به اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری بازمی‌گردد؛ آنگاه که افرادی چون عروه بن زبیر (۹۴ق)، ابان بن عثمان بن عفان (۱۰۵ق)، شرحبیل بن سعد

(۱۲۳ق) و محمد بن مسلم بن زُهری (۱۲۴ق) به عنوان پیشگام، قدم در این عرصه نهادند. (سجادی، ۱۳۸۸: ۴۹)

ازجمله سیره‌نگاران مهم در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری، محمد بن عمر واقدی (۲۰۷ق) است که کتاب او با نام **مغازی**، از قدیمی‌ترین کتاب‌های به‌دست‌آمده در زمینه‌ی مغازی رسول مکرم اسلام ﷺ است. این اثر در سال ۱۹۶۶ م با مقدمه و تصحیح مارسدن جونز (جونس)^۲ در سه جلد، در آکسفورد^۳ به چاپ رسید. (سجادی، ۱۳۸۸: ۱۱۱) کتاب حاضر، یک چاپ دو جلدی نیز دارد که توسط نشر دانش اسلامی در رمضان ۱۴۰۵ق، با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه منتشر شد. دکتر محمود مهدوی دامغانی، متن کتاب واقدی را به فارسی ترجمه کرده و توسط مرکز نشر دانشگاهی، ابتدا در سه جلد و اخیراً در یک مجلد، به زیور طبع آراسته شده است. در ادامه‌ی بحث، به حیات واقدی، مذهب، آثار و معرفی کتاب مغازی او پرداخته خواهد شد.

۱. حیات واقدی

ابوعبدالله محمد بن عمر واقدی،^۴ از وابستگان بنی سهم (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۱۴/۵)، بنا به نقل ابن سعد، شاگرد و کاتب او (۲۳۰ق)، در سال ۱۳۰ هجری در اواخر حکومت مروانین در مدینه متولد شد. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۷) بنابر نقلی، مادر واقدی، دختر عیسی بن جعفر بن سائب خاثر^۵ است. (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۴۴۶/۸) آگاهی زیادی از آغاز زندگی واقدی در دست نیست؛ به جز اینکه او دوران تحصیلش را در مدینه گذراند و به نظر می‌رسد از همان نوجوانی، به کسب اطلاعات در مورد سیره و مغازی رسول-اکرم ﷺ اهتمام داشته است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۵/۱)

واقدی، از مالک بن آنس (۱۷۹-۹۳ق)، سفیان ثوری (۱۶۱-۹۷ق)، مُعَمَّر بن ابی راشد (۱۵۳-۹۵ق)، ابن ابی ذئب (۱۵۹-۸۰ق) و غیر ایشان علم آموخت و جماعتی از بزرگان از او روایت نقل کرده‌اند. محمد بن سعد (۲۳۰-۱۶۸ق) نیز با او مکاتبه داشت و گفته‌اند که از رأی مالک و سفیان ثوری آگاهی کاملی داشت. (حموی، ۱۴۱۴: ۲۵۹۵/۶)

واقدی در سال ۱۸۰ هجری، ابتدا به بغداد و سپس به رقه‌ی شام مهاجرت کرد و در آنجا با یحیی بن خالد برمکی ملاقات نمود. همین دوران، نقطه‌ی عطفی در زندگی او قلمداد می‌شود؛ چه اینکه تحت عنایات برامکه، خیر و نیکی زیادی متوجه وی شد.

(واقدی، ۱۴۰۹: ۶/۱) سرانجام دوباره به بغداد برگشت، تا اینکه مأمون پس از برگشت به آنجا، او را به سمت قاضی عسکر ناحیه‌ی بغداد شرقی منصوب کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۳۵/۷) و مراتب علاقه و تکریم زیادی را نسبت به او آشکار ساخت. (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۵۷۸) واقدی در همین منصب باقی ماند تا اینکه در شامگاه دوشنبه، یازدهم ذی الحجه سال ۲۰۷ هجری، در ۷۷ سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان خیزران به خاک سپرده شد. (حموی، ۱۴۱۴: ۲۵۹۵/۶)

منابعی که به شرح حال واقدی پرداخته‌اند، بدین مطلب نیز تصریح داشته‌اند که وی علی‌رغم مشکلات و تنگناهای مادی که در زندگی داشت، بسیار بزرگواری و بخشنده بود و شهرت کاملی به جود و سخاوت داشت. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۵ الف؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳/۳ به نقل از: واقدی، ۱۴۰۹: ۶/۱)

۲. مذهب واقدی

در مورد گرایش‌های مذهبی واقدی، اختلافاتی وجود دارد؛ ندیم^۶ (م ۳۸۰ ق) او را شیعه^۷ می‌داند، به گونه‌ای که تقیه می‌کرد و معتقد بود که حضرت علی علیه السلام یکی از معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ چنانکه تبدیل عصا به مار و اژدها، معجزه‌ی حضرت موسی علیه السلام و زنده کردن مردگان، معجزه‌ی حضرت عیسی علیه السلام بود. (ندیم، ۱۴۱۵: ۱۴۴؛ ر.ک: ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۵۷۹)

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) او را عثمانی مذهب اما متمایل به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داند و در کتاب *جمل* خود، عبارت‌هایی از کتاب *الجمل* واقدی آورده است. (مفید، بی‌تا: ۱۱۲)

سید رضی (م ۴۰۶ ق) نیز به نقل از *الجمل* واقدی، خطبه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام را که در سال ۳۶ هجری، در سرزمین ذی‌قار^۸ هنگام عزیمت به بصره ایراد کرده، در نهج‌البلاغه آورده است.^۹

از علمای متأخر نیز محسن امین (۱۳۷۱ ق) و آقابزرگ تهرانی (۱۳۸۹ ق) همان سخن ندیم را نقل می‌کنند و ظاهر این است که قائل به شیعه بودن واقدی هستند. (امین، ۱۴۰۶: ۱۰-۳۱؛ تهرانی، ۱۴۰۸: ۳۵۰/۱)

نگارش آثاری از سوی او در تولد حسنین علیهما السلام و مقتل امام حسین علیه السلام را می‌توان مؤید گرایش شیعی واقدی برشمرد. از شواهد دیگر بر تشیع او، نقل ابن ابی‌الحدید (۲۵۶-۵۸۶ق) از بخشی از کتاب مغازی واقدی، درباره‌ی جنگ اُحُد و فرار فلانی و فلانی از این نبرد است. ابن ابی‌الحدید این ابهام را از محمد بن معدّ علوی موسوی،^{۱۱} فقیه شیعیان، پرسیده و او قسم یاد کرده که منظور واقدی، عمر و عثمان بوده است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷: ۲۳/۱۵-۲۴؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۸)

در کتاب مغازی واقدی، هنگام درود بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، گاه نوشتن «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَسَلَّمَ» - که شیعیان بدین صورت می‌گویند و بدان معتقد هستند - کلمه‌ی «آله» محذوف است و تنها به «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَتَسَلَّمَ» اکتفا می‌شود. اما هنگامی که نام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، عبارت «عليه‌السلام» بلافاصله پس از اسم حضرت، ذکر می‌شود، برخلاف عرف اهل تسنن که از عبارت «كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ»^{۱۱} استفاده می‌کنند. در مورد ابوبکر و عمر نیز، بعد از اسم آنها عبارت «رضی الله عنه» (واقدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۱۳) را همچون دیگر صحابه می‌آورد و در مواردی هم بدون اینکه نامی از آن دو ببرد، فقط به کلمه‌ی «شیخین» (واقدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۱۶) اکتفا می‌کند. گویا بی‌عنایتی خاصی در مواضع واقدی به خلفا وجود دارد؛ چنانچه گاهی گروهی از صحابه را نام می‌برد و بین آنها خلفای راشدین هم هستند اما چنانکه باید و شاید است و عرف اهل تسنن آن را می‌طلبند، حق ایشان را ادا نمی‌کند. (واقدی، ۱۳۶۹: ۱/۲۰)

البته این امکان نیز بعید نیست که در زمان‌های بعدی، مواضع ابراز تشیع واقدی از کتابش حذف و دست‌خورده است؛ چنانکه در نقل از ابن ابی‌الحدید در شرح **نهج‌البلاغه** گذشت که هنگام درک محضر عالمی شیعه، عبارت «فلان و فلان» نزد آنها خوانده شده بود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷: ۱۵/۲۴-۲۳)، اما اکنون که کتاب مغازی بررسی می‌شود، اثری از این ماجرا و تعابیری از این دست وجود ندارد.

در مجموع، از شواهد یادشده و تصریح بسیاری از علمایی که ذکرشان گذشت، برمی‌آید که تشیع واقدی غلبه‌ی بیشتری داشته باشد؛ البته نه آن تشیع اعتقادی و امامتی، بلکه تشیع به معنای مُتَشَيِّع؛ یعنی کسی که نسبت به سایر خلفا، اعتبار بیشتر را به امام-

علی علیه السلام می‌داد؛ چنانکه در نقل از ندیم درباره‌ی واقدی «کان یتشیع...» آمده است. (ندیم، ۱۴۱۵: ۱۴۴)

۳. آثار واقدی

واقدی، مردی دانشمند، دارای نوشته‌های بسیار و حافظ مغازی و سیر و اخبار مردم بود؛ چنانکه ابن سعد - کاتب و شاگرد او - با توجه به نوشته‌های استادش، وی را آگاه به سیره، مغازی، فتوح، اختلاف مردم درباره‌ی احادیث و احکام و اجتماع و هم‌آهنگی آنها در موضوعات، معرفی می‌کند. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۱۴/۵)

اسامی و تعداد کتاب‌های نوشته شده به دست واقدی، در منابع گوناگون ادبی و کتاب‌شناسی با اختلافاتی چند آمده است. از جمله:

۱. التاریخ و المغازی و المبعث ۲. اخبار مکه ۳. الطبقات ۴. فتوح الشّام ۵. فتوح العراق ۶. الجمل ۷. مقتل الحسین ۸. السیره ۹. ازواج النبی ۱۰. الرّدة و الدّار ۱۱. حرب الاوس و الخزرج ۱۲. صقین ۱۳. وفاة النبی ۱۴. امر الحبشه و الفیل ۱۵. المناکح ۱۶. السقیفة و بیعة ابی بکر ۱۷. ذکر القرآن ۱۸. سیره ابی بکر و وفاته ۱۹. مراعی قریش و الانصار فی القطائع، و وضع عمر الدواوین، و تصنیف القبائل و مراتبها و انسابها ۲۰. الرغیب فی علم القرآن و غلط الرجال ۲۱. مؤلّد الحسن و الحسین و مقتل الحسین ۲۲. ضرب الدنانیر و الدراهم ۲۳. تاریخ الفقهاء ۲۴. الآداب ۲۵. التاریخ الکبیر ۲۶. غلط الحدیث ۲۷. السنة و الجماعة و ذمّ الهوی و ترک الخوارج فی الفتن ۲۸. الاختلاف. (ندیم، ۱۴۱۵: ۱۴۴؛ قس: یاقوت، ۱۴۱۴: ۶/۲۵۹۸؛ صفدی، ۱۳۹۴: ۴/۲۳۹) به ظاهر تنها کتاب برجای مانده از واقدی، همین **المغازی** است.

۴. وجه نامگذاری کتاب مغازی

گویا کتاب **مغازی** قسمتی از کتاب بزرگ واقدی با نام کتاب **التاریخ و المغازی و المبعث** بوده که هر کدام آنها یک کتاب یا رساله‌ی جدا به شمار می‌آمد. (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱) جهت نامگذاری کتاب به مغازی، توصیف سیره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ‌های صدر اسلام است و کلمه‌ی مغازی به معنای صفات و کارهای جنگ‌آوران آمده است. (ابن منظور، ۱۳۷۳: ۱۵/۱۲۴؛ فراهیدی، ۱۳۷۲: ۴/۴۳۴) البته واقدی در

نوشته‌ی خویش فقط به تبیین تاریخی جنگ‌ها و عملکرد حضرت در آنها نمی‌پردازد، بلکه مطالب آموزنده‌ی اجتماعی و اخلاقی نیز ارائه می‌دهد. (واقدی، ۱۳۶۹: ۵/۱)

از چگونگی کار او در اثر و همچنین گفته‌های بزرگان هم‌عصر و دیگر افراد بعد از او، که کتاب او را الگوی خود قرار داده‌اند (برای نمونه ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳/۲۳۰-۲۱۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۷۱-۴۳۲)، چنین بر می‌آید که او خواسته است گزارش و توصیفی دقیق، منسجم، علمی و هر چه نزدیک‌تر به حقیقت را از جنگ‌های صدر اسلام ارائه داده و سیره‌ی اخلاقی و اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ در این جنگ‌ها را برای آیندگان به امانت گذارد.

۵. محتوای کتاب، روش و اهمیت آن

واقدی، در محتوای کتاب خود، ابتدا در مقدمه، سلسله‌ی مشایخ و راویان اخبارش را آورده است و پس از بیان تاریخ هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، از سیره‌ی حمزة بن عبدالمطلب در ماه رمضان بحث را شروع می‌کند و به صورت یک فهرست اجمالی، نام سریه‌ها، غزوه‌ها و تاریخ وقوع آنها را تا هنگام وفات حضرت رسول ﷺ ذکر کرده است. وی تعداد غزوه‌های حضرت را ۲۷ و برای سریه‌ها نیز عدد ۴۷ را ذکر می‌کند. آخرین مطلب در مقدمه، نام جانشینان پیامبر ﷺ در مدینه به هنگام غزوه‌ها و همچنین شعارهایی که حضرت در میدان نبرد ندا می‌دادند، آمده است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۱-۸/۱) در ادامه، به بحث اصلی یعنی توصیف سریه‌ها و غزوه‌های رسول اکرم ﷺ می‌پردازد و چنانکه گذشت از سریه حمزة بن عبدالمطلب که به نقل او در ماه رمضان، یعنی ماه هفتم از مهاجرت پیامبر ﷺ روی داده، آغاز کرده است (واقدی، ۱۴۰۹: ۹/۱) و بعد از آن، یک‌یک سریه‌ها و غزوه‌ها را با رعایت سال وقوع حوادث، شرح و بسط داده تا اینکه با ماجرای حجة الوداع نبی مکرم ﷺ و فرستادن سپاه اسامة بن زید به نبرد موته، کتاب را به پایان می‌برد.

روش تدوین و نگارش کتاب مغازی واقدی، در تاریخ‌نگاری، به صورت روایی است؛ یعنی ذیل هر حادثه و خبر تاریخی، ابتدا روایت‌های مختلف درباره‌ی آنها را ذکر می‌کند. البته واقدی به ذکر راویان و سلسله‌ی اسناد در مقدمه‌ی کتاب و به‌هنگام نقل روایت‌های تاریخی به لفظ «گفته‌اند» بسنده کرده است که این شیوه‌ی روایی، طبق اصطلاح محدثان، «مرسل»^{۱۲} نامیده می‌شود.

واقدی، تاریخ‌نگار و سیره‌نویس برآمده از مکتب تاریخ‌نگاری مدینه (اهل حدیث)، در قدم بعدی، به‌نظر می‌رسد که در روش‌های تاریخ‌نگاری، به روش ترکیبی نزدیک شده است؛ چراکه در نقل اخبار، به بررسی و گزینش نقادانه پرداخته، اسناد نقل‌ها را با هم ترکیب و از چند سند، یک متن به‌دست آورده است. (سجادی، ۱۳۸۸: ۳۷ و ۱۱۱؛ روغنی، ۱۳۹۲: ۹۲)

۶. اهمیت کتاب مغازی واقدی

۱-۶. اسلوب تاریخ‌نگاری فنی و علمی واقدی سبب شده که اثر او نسبت به آثار دیگر مورخان برتری یابد. او بیش از سیره‌نویسان و تاریخ‌نویسان دیگر به مرتب کردن حوادث گوناگون، با سبکی منطقی و خدشه‌ناپذیر اهتمام داشته است. وی به‌هنگام سخن از جنگ‌ها، آنها را با ذکر نام تعداد زیادی از راویان که روایت‌ها و اخبار وقایع را از آنها شنیده و نوشته، همراه ساخته است. پس از آوردن سلسله سند خبر، هریک از غزوه‌ها و سریه‌ها را به صورت جدا جدا و با تاریخ دقیق هر کدام و همچنین توضیح جغرافیای تاریخی آن، به‌طور مفصل، شرح و تفسیر کرده است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۱/۱؛ ر.ک: یوسفی غروی، ۱۳۸۳: ۲۸/۱)

۲-۶. نزدیکی اثر به زمان وقوع حادثه، از ویژگی‌های مهم این کتاب است، واقدی، متولد ۱۳۰ هجری و متوفی ۲۰۷ هجری است و کتاب **مغازی** را در اواخر قرن دوم هجری نوشته است. (واقدی، ۱۳۶۹: ۲۱/۱) نزدیکی نسبی عصر نویسنده به صدر اسلام و دوره‌ی حیات حضرت رسول ﷺ، کتاب واقدی را ممتاز ساخته و آن را جزء منابع کهن، دست‌اول و معتبر تاریخی قرار داده است.

۳-۶. واقدی در بسیاری از موارد، در نگارش اخبار، اگر در واقعه‌ای، آیاتی مربوط به آن نازل شده است، آیات و شأن نزول آن را هم آورده است. برای نمونه، آیات نازل شده در مورد جنگ‌های بدر، أُحد، بنی‌نضیر، خندق و تبوک را ذکر کرده و حتی فصل‌هایی جداگانه را بدین منظور در نظر گرفته است، حتی اختلاف نظرهایی که در تفسیر آیه شده است را ملاحظه می‌کند؛ درحالی‌که این موضوع، در کمتر کتابی از کتاب‌های سیره و مغازی توجه شده است. (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹: ۱۳۱، ۳۱۹، ۳۸۰، ۴۹۴، ۱۰۲۲، ۱۰۶۰) واقدی به این شکل مطالب کتاب مغازی را مستدل‌تر و خواندنی‌تر کرده است.

۶-۴. نویسنده کتاب، به گردآوری اخبار و روایات مختلفِ مربوط به سیره علاقه، اهتمام و توجه خاصی داشته و این مطلب در بیشتر منابع، ذکر و تصریح شده است؛ گویا کتاب مغازی با استفاده از تمامی منابع شفاهی و مکتوب موجود در دست خود نویسنده، تدوین شده است. او تحقیق و جست‌وجو در بحث غزوه‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله را با سفر به محل وقوع حادثه و نیز پرس‌وجو از افراد نساب^{۱۳} در قبایل مختلف، به سرانجام رسانده است. (جعفریان، ۱۳۸۳: ۵۹) در مورد دقت نظر او در نگارش اثر خویش چنین گفته‌اند که از فرزندان صحابه، شهدا و وابستگان آنها درباره‌ی چگونگی شهادت و محل مرگ خویشاوندشان می‌پرسید و سپس خودش به جایی که گفته می‌شد، می‌رفت و محل را مشاهده می‌کرد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۵ الف؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۶/۳ به نقل از: واقدی، ۱۴۰۹: ۶/۱)

بنابراین یکی از ویژگی‌های مهم واقدی برای نوشتن کتاب مغازی، مشاهده‌ی میدانی است؛ او میدان‌های جنگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از نزدیک دید، در آنجا به تحقیق پرداخت و کتاب خویش را به پایان برد. (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۵۷۸) همین ویژگی، اثر وی را از آثار دیگر نویسندگان در زمینه‌ی سیره و مغازی ممتاز ساخته است.

۶-۵. مطالب جغرافیایی مفصّلی که واقدی با مسافرت به مناطق وقوع حادثه، به‌منظور کسب معلومات صحیح به دست آورده، دست‌مایه‌های اولیه برای نوشته‌های جغرافیایی مسلمانان و عرب‌ها گردیده است. در حقیقت، خشت اساسی توسط واقدی نهاده شد تا پیروان او - امثال محمد بن سعد، شاگرد و کاتب وی و بلاذری (۲۷۹ق) - و دیگران، در کتب مربوط به فتوح، از آن بهره‌های فراوانی ببرند. (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۲/۱-۳۱)

۶-۶. مغازی واقدی نشان‌دهنده‌ی گستردگی کار نویسنده و جستجوهای بسیار او در روایت‌ها، از هجرت تا رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. فقط در مقام مقایسه، دامنه و وسعت و ارزش فعالیت واقدی روشن می‌شود. برای مثال، در مقایسه با سیره‌ی ابن اسحاق - هر چند که قبل از مغازی گرد آمده است - کتاب واقدی از نظر اینکه به جزئیات و حوادث مختلف ریز و درشت می‌پردازد، بر سیره‌ی ابن اسحاق ترجیح و برتری دارد.

۶-۷. کار واقدی به قدری وسیع و مفصّل است که علاوه بر اینکه تاریخ وقوع همه‌ی نبردها را دقیق مشخص کرده، در جنگ‌های مهم، نام افرادی را که در غزوه‌ها و سریه‌ها

شرکت کردند را ذکر نموده و آمار و اسامی شهیدان مسلمان و کشته‌شدگان دشمن را نیز بیان کرده است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۱/۱)

۶-۸. کتاب واقدی، فقط تاریخ جنگ‌ها نیست، بلکه سرشار از مطالب آموزنده‌ی اخلاقی و اجتماعی نیز هست؛ به‌طور مثال، صحنه‌های مختلف فداکاری، صمیمیت و اخلاص مسلمانان در سایه‌ی رهنمودهای پیامبر اکرم ﷺ بسیار جلب توجه می‌نماید. رغبت نوجوانان برای وصول به درجه‌ی شهادت، اصرار پیرمردان و افراد علیل به پیامبر ﷺ برای کسب اجازه‌ی شرکت در جنگ، پیشنهاد نوجوانانی که به واسطه‌ی کمی سن و سال، از شرکت در جنگ محروم شده‌اند، به کشتی گرفتن و زورآزمایی با شرکت‌کنندگان، صبر و بردباری و شکیبایی مادران، همسران و خواهران داغدار و مصیبت‌دیده، سیمای مهربان و عنایت ویژه‌ی حضرت رسول ﷺ نسبت به بازماندگان شهدا، گذشت و بزرگ‌منشی انصار در مقابل غنایم و امور مادی، خوش‌رفتاری با اسیران و چاره‌اندیشی برای آزادکردن ایشان، در عین حال در موارد لزوم، شدت عمل و دوران‌دیشی و باریک‌بینی، همه و همه از اموری هستند که جامعه‌ی اسلامی همیشه و به‌خصوص در این برهه از زمان، به فراگرفتن و عمل کردن بدان سخت نیازمند است. (واقدی، ۱۳۶۹: ۵/۱)

۶-۹. مغازی واقدی، نموداری از قالب مظاهر زندگی جامعه‌ی اسلامی در فاصله‌ی میان هجرت و رحلت پیامبر ﷺ است که شامل بسیاری از امور اجتماعی و اقتصادی زندگانی در صدر اسلام، مانند آداب زندگی، و رسوم دفن مردگان و زراعت می‌شود و نکاتی در مورد بت‌ها را نیز در خود جای داده است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۴/۱)

در مجموع، وجود همه‌ی این ویژگی‌ها در کتاب مغازی واقدی، باعث کسب امتیاز و اعتبار این اثر در میان مورخان و جغرافی‌دانان از همان قرن سوم تا به امروز شده است. واقدی، توجه ویژه به مغازی و سیره‌ی پیامبر اکرم ﷺ داشت و در نگارش آن، برخلاف اهل حدیث، از روش تاریخی بیشتر بهره می‌برد و به همین دلیل مورد طعن و انتقاد برخی از اهل حدیث قرار گرفت اما کتاب مغازی او، در طول تاریخ، میان هر دو گروه شیعه و سنی، اعم از مکتب مدینه و عراق، مورد استناد و استفاده قرار گرفته است.

علاوه بر نکات مثبت و دقیقی که واقدی آنها را به دقت گردآوری نموده، برخی نقاط ضعف هم در کار او مشاهده می‌شود که احتمال دارد به‌جهت گستردگی کار و دامنه‌ی

وسیع مطالب به وجود آمده باشد؛ از جمله اینکه تعریفی را که قبل از وی و یا بعدها در مورد غزوه و سریه شده (به گونه‌ای که جنگ‌هایی که پیامبر ﷺ خودش در آن حضور می‌یافت، غزوه و آنهایی که فرمانده می‌فرستاد و خودش عازم جنگ نمی‌شد، سریه گفته‌اند) را مورد توجه قرار نداده است. با وجود اینکه خود او مبنای تعریفش از غزوه‌ها و سریه‌های عصر پیامبر ﷺ، همان مبنای مشهور است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۷/۱)

همچنین در برخی موارد، در ثبت تاریخ حوادث، اشتباه دارد؛ چنان‌که دو تاریخ را برای کشته‌شدن سفیان بن خالد بن نبیح هذلی ذکر کرده است که با هم سازگار نیستند؛ در جایی می‌گوید: در ماه صفر سی و ششمین ماه از هجرت و قبل از سریه‌ی رجیع روی داده و در جایی دیگر، آن را در ماه پنجاه و چهارم از هجرت دانسته است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۵۴/۱) همچنین مرگ یسار، خادم پیامبر اکرم ﷺ را یکبار در رمضان سال هفتم هجرت و در جنگ میفعه نقل کرده و بار دیگر، مرگ او را در شوال سال ششم هجرت یادآور شده است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۷۲۶/۱-۵۶۹) در جایی سال وقوع غزوه‌ی بنی‌لحیان را ربیع‌الاول سال ششم هجری دانسته، اما در جایی دیگر، آن را در محرم سال ششم هجرت بیان نموده است. (واقدی، ۱۴۰۹: ۵۳۷-۵۳۵) همچنین در ماجرای غزوه‌ی بنی‌لحیان، می‌گوید: خبیب بن عدی در دست قریش اسیر بود، در صورتی که پیش از این بیان داشته که خبیب در واقعه‌ی رجیع در ماه صفر سال چهارم هجری، کشته شده است (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۵۴/۱)

نتیجه‌گیری

واقدی از مورخان اواخر قرن دوم هجری و برآمده از مکتب تاریخ‌نگاری مدینه است که تخصص ویژه‌ی او - به دلیل تربیت وی در مدینه و تحت تأثیر مکتب تاریخ‌نگاری مدینه - در مغازی، فتوحات و اخبار تاریخی است. از میان آثار متعدد و متفاوت واقدی، کتاب «مغازی» یکی از مهم‌ترین آثار برجامانده از اوست. این کتاب را باید نقطه‌ی اوج سیره‌نگاری و مغازی‌نگاری در اواخر قرن دوم هجری دانست؛ به جهت تأثیرگذاری بنیادی که این نوشته در این دانش داشته است.

با اینکه واقدی به جهت آوردن روایت‌های مرسل در مغازی، از سوی محدثان، مورد طعن و انتقاد قرار گرفته است، اما کتاب مغازی او مورد استفاده و اهتمام مورخان و

نویسندگان بزرگی چون: بلاذری (م ۲۷۹ق)، ابواسحاق ابراهیم ثقفی (م ۲۸۳ق)، طبری (م ۳۱۰ق)، مسعودی (م ۳۴۶ق)، ابن اثیر (م ۶۳۰ق) و ابن ابی الحدید (م ۶۵۵ق) و ابو الفدا (م ۷۳۲ق) قرار گرفته است و آن را معتبر می‌شمردند. اگرچه واقدی، از پرورش‌یافتگان مکتب مدینه در تاریخ‌نگاری اسلامی است اما از بهره‌گیری‌های فراوانی که امثال ثقفی، مسعودی، شیخ مفید رحمته‌الله و سید رضی رحمته‌الله در کتاب‌های خود از آثار واقدی داشته‌اند، چنین برمی‌آید که او از نویسندگان تأثیرگذار بر مکتب عراق بوده و جایگاه علمی او در بین مورخان عراقی، بسیار مهم جلوه کرده است.

همچنین به جدّ باید اظهار داشت که نقاط مثبت مغازی واقدی، بر جنبه‌های منفی و ضعف کتاب، غلبه و رجحان دارد و همواره بهترین و جامع‌ترین کتاب در زمینه‌ی سیره‌ی نظامی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در دلائل النبوه و سبل الهدی به جای «النبی»، «رسول الله» آمده است.
۲. مدیر مرکز مطالعات عربی دانشگاه آمریکایی قاهره (Marsden Jones / ۱۹۲۰-۱۹۹۲).
۳. University of Oxford
۴. برخی منابع نام نویسنده را به صورت محمد بن عمر بن واقد واقدی ذکر کرده‌اند. ر.ک: حموی، یاقوت، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۵۹۵. برخی هم محمد بن عمر بن واقد اسلمی ضبط کرده‌اند. ر.ک: ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۷، ص ۲۴۱.
۵. گویا سائب خاثر از مُعْتَبیان و نوازندگان معروف مدینه بود. برای اطلاع بیشتر در مورد او و نسبش رجوع کنید به: اصفهانی، الأغانی، ج ۸، صص ۴۴۵-۴۴۶.
۶. گویا اسم کامل و اصلی او ابوالفرج محمد بن اسحاق بن محمد بن اسحاق الندیم است و به اشتباه به ابن ندیم معروف شده است. در این باره رجوع کنید به ترجمه مقاله ایمن فؤاد سید، به قلم رسول جعفریان، در سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی www.ical.ir
۷. مفهوم تشیع در قرون نخستین اسلامی، اعم از تشیعی بوده که اکنون رایج است. در آن دوره، شیعه به معنای عام به کسی گفته می‌شد که امام علی علیه السلام را مقدم بر عثمان می‌دانست. همچنین شیعه به معنای مُشْتَبِع، کسی بود که در مقام مقایسه میان خلفا، اعتبار و اعتنای بیشتری به امیرالمؤمنین داشت. (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۸۷-۱۹)
۸. سرزمینی نزدیک بصره.
۹. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱.
۱۰. از فقهای امامیه و علمای حله در قرن هفتم هجری.
۱۱. یعنی خداوند چهره اش را با کرامت بدارد.
۱۲. مُرْسَل به حدیثی می‌گویند که واسطه‌ی بین راوی آن و معصوم علیه السلام افتاده باشد.
۱۳. افراد دارای علم نسب شناسی که در قبایل وجود داشتند.

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آيينه‌وند، صادق، *ادبيات سياسى تشيع*، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷.
۲. ابن أبى الحديد، *شرح نهج البلاغه*، بيروت، دار إحياء الكتب العربيه، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن سعد، محمد، *طبقات الكبرى*، عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن عساکر، على بن حسن، *تاريخ مدينه دمشق*، بيروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ۱۹۹۵م/۱۳۷۳ق.
۶. اصفهانی، ابوالفرج، *الأغانى*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ۱۴۱۵ق.
۷. امين، محسن، *أعيان الشيعه*، بيروت، دار تعارف المطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۸. بيهقى، احمد، *دلائل النبوه*، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۵ق.
۹. تهرانى، آقابزرگ، *الذريعه إلى تصانيف الشيعه*، قم، اسماعيليان، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ثقفى كوفى، ابواسحاق ابراهيم، *الغارات*، ترجمه عزيزالله عطاردى، بی‌جا، عطارد، ۱۳۷۳.
۱۱. جعفریان، رسول، *تاريخ تشيع در ايران*، چ ۳، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸.
۱۲. -----، *حیات فکری و سياسى امامان علیهم السلام*، قم، انصاریان، ۱۳۸۷.
۱۳. -----، *سیره رسول خدا ﷺ* (تاریخ سياسى اسلام)، قم، دلیل ما، ۱۳۸۳.
۱۴. جوهرى، اسماعيل بن حماد، *صاحح اللغة*، بيروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۱۵. حجتى، محمدباقر، *سیرى در سیره نویسى*، بی‌جا، کنگره جهانى امام رضا علیه السلام، ۱۳۷۱.
۱۶. حموى، یاقوت، *معجم الأدباء*، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ۱۴۱۴ق.
۱۷. خطیب بغدادى، احمد بن على، *تاريخ بغداد*، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۷ق.
۱۸. دمشقى، اسماعيل بن عمر ابن كثير، *البدایة والنهایه*، بيروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۹. روغنى، شهره، *کتاب شناسى* (گزیده توصیفى تاریخ و تمدن ملل اسلامى)، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
۲۰. سجادی، صادق و عالم‌زاده، هادى، *تاریخ نگارى در اسلام*، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۲۱. صالحى شامى، *سبل الهدى والرشاد*، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق.
۲۲. صفدى، خليل بن ايبك، *الوافى بالوفيات*، چ ۲، بيروت، دار النشر، ۱۳۹۴ق/۱۹۷۴م.
۲۳. فراهيدى، خليل بن احمد، *کتاب العين*، قم، مؤسسه النشر الإسلامى، ۱۳۷۲.
۲۴. مطهرى، مرتضى، *سیرى در سیره نبوى*، چ ۴۲، تهران، صدرا، ۱۳۸۶.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، *الجمال والنصره لسيد العترة*، قم، کنگره شيخ مفید، بی‌تا.
۲۶. ندیم، ابوالفرج محمد بن ابى يعقوب، *الفهرست*، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۵ق.
۲۷. واقدى، محمد، *المغازى*، بيروت، مؤسسه اعلمى، ۱۴۰۹/۱۹۸۹م.
۲۸. يوسفى غروى، محمد هادى، *تاریخ تحقیقى اسلام*، قم، مؤسسه امام خمينى عليه السلام، ۱۳۸۳.